

A Qualitative analysis of the Constraints of women's social vitality in Kerman

ABSTRACT

Background and Objective: Social vitality is one of the basic and fundamental features of social life that has a great contribution in improving the mental health of people in society and the relationships between them. Although much research has been done on social vitality, little research has been done on the constraints of women's social vitality. The main purpose of this study is to qualitatively analyze the constraints of women's social vitality in Kerman.

Materials and Methods: The present study is qualitative research in the form of an interpretive and constructivist paradigm. Its data were collected through focused group interviews. Three groups of 10-12 people (33 people in total) of women aged 20 and employed in Kerman were selected and studied using purposive sampling method with maximum diversity. Thematic analysis approach has been used to analyze the data.

Results: Based on the thematic analysis, two main themes were extracted, which were social factors that include three sub-themes: family (strictness, restrictions and gender discrimination), work environment (excessive control by the employer and the governing system of organizations, tangible and intangible control, social stigma, constraints on dress and grooming) and society (existence of specific beliefs, constraints related to mobility, constraints on certain activities for women, ignoring the role of men in creating insecurity in society, Lack of power to express appropriate response to the constraints imposed) and individual factors that included two sub-themes of external dimension (lifestyle) and internal dimension (attitude and insight, lack of self-esteem).

Conclusion: The results showed that the studied women face obstacles and constraints in their social vitality. These constraints were mainly a set of social and individual factors such as gender discrimination, social stigma, lack of security in public space, the existence of certain beliefs and finally the lifestyle that disrupted their social vitality.

Keywords: Social vitality, social vitality constraints, Interpretive approach

Paper Type: Research Article.

Abdolhossein Daneshvarinasab

Assistant Professor, Department of Social Sciences, Shahid Bahonar University of Kerman, Iran. (Corresponding Author) daneshvari.um@uk.ac.ir

Received: 2021/02/27

Accepted: 2021/05/29

Doi:10.52547/ijhehp.9.3.311

► **Citation (Vancouver):** Daneshvarinasab A. A Qualitative analysis of the Constraints of women's social vitality in Kerman. *Iran J Health Educ Health Promot. Autumn 2021;9(3): 311-322.*

► **Citation (APA):** Daneshvarinasab A. (Autumn 2021). A Qualitative analysis of the Constraints of women's social vitality in Kerman. *Iranian Journal of Health Education & Health Promotion.*, 9(3), 311-322.

واکاوی کیفی محدودیت‌های نشاط اجتماعی زنان در شهر کرمان

چکیده

زمینه و هدف: نشاط اجتماعی از جمله ویژگی‌های اساسی و بنیادی زندگی اجتماعی است که سهم زیادی در بهبود سلامت روان افراد جامعه و روابط بین آنها بر عهده دارد. اگرچه پژوهش‌های زیادی در خصوص نشاط اجتماعی انجام شده است، اما پژوهش‌های اندکی در خصوص محدودیت‌های نشاط اجتماعی زنان صورت گرفته است. هدف اصلی پژوهش حاضر، واکاوی کیفی محدودیت‌های نشاط اجتماعی زنان در شهر کرمان است.

مواد و روش‌ها: پژوهش حاضر یک تحقیق کیفی و در قالب پارادایم تفسیری صورت گرفته است. داده‌های آن با استفاده از مصاحبه‌های متمرکز گروهی گردآوری شده‌اند. سه گروه ۱۲-۱۰ نفره (در مجموع ۳۳ نفر) از زنان ۲۰ ساله به بالای شاغل در شهر کرمان با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند و با حداکثر تنوع انتخاب شده و مورد مطالعه قرار گرفتند. از رویکرد تحلیل مضمون برای تحلیل داده‌ها استفاده شده است. **یافته‌ها:** بر مبنای تحلیل مضمون، دو مضمون اصلی استخراج شد که عبارت بودند از عوامل اجتماعی که خود مشتمل بر سه مضمون فرعی: خانواده (سخت‌گیری محدودیت و تبعیض جنسیتی)، محیط کار (کنترل بیش از حد از سوی کارفرما و سیستم حاکم بر سازمانها، کنترل محسوس و نامحسوس، انگ اجتماعی، محدودیت پوشش و آرایش) و اجتماع (وجود باورها و اعتقادات خاص، محدودیت‌های مرتبط با جابجایی و تحرک، محدودیت انجام بعضی فعالیت‌ها برای زنان، نادیده گرفتن نقش مردان در ایجاد ناامنی در جامعه، عدم قدرت در بیان واکنش مناسب به محدودیت‌های اعمال شده) بود و عوامل فردی که خود مشتمل بر دو زیر مضمون بعد بیرونی (سبک زندگی) و بعد درونی (نگرش و بینش، فقدان عزت نفس) بود.

نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش نشان داد که زنان مورد مطالعه با موانع و محدودیت‌هایی در زمینه نشاط اجتماعی خود روبرو هستند. این محدودیت‌ها عمدتاً مجموعه‌ای از عوامل اجتماعی و فردی همچون تبعیض جنسیتی، انگ اجتماعی، فقدان امنیت در فضای عمومی، وجود باورها و اعتقادات خاص و در نهایت سبک زندگی زنان مورد مطالعه بود که نشاط اجتماعی آنها را مختل نموده بود.

کلید واژه: نشاط اجتماعی، محدودیت‌ها، رویکرد تفسیری
نوع مقاله: مطالعه پژوهشی.

عبدالحسین دانشوری نسب

استادیار بخش علوم اجتماعی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران. (نویسنده مسئول)
daneshvari.um@uk.ac.ir

◀ **استناد (ونکوور):** دانشوری نسب ع. واکاوی کیفی محدودیت‌های نشاط اجتماعی زنان در شهر کرمان. فصلنامه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت. پاییز ۱۴۰۰؛ ۹(۳): ۳۱۱-۳۲۲.

◀ **استناد (APA):** دانشوری نسب، عبدالحسین. (پاییز ۱۴۰۰). واکاوی کیفی محدودیت‌های نشاط اجتماعی زنان در شهر کرمان. فصلنامه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، ۹(۳): ۳۱۱-۳۲۲.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۰۹
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۰۸

نشاط یکی از ضروری ترین نیازهای فطری و روانی انسان به شمار می‌رود. امروزه بسیاری از جوامع به نوعی درصدد ایجاد یک جامعه سالم و با نشاط هستند، زیرا به نظر می‌رسد نشاط اجتماعی از یکسو انسانها را برای یک جامعه بهتر و بازدهی بیشتر آماده می‌کند و از سوی دیگر، ویژگی مسری بودن آن، وابستگی‌های فرد را با محیط افزایش می‌دهد. از این رو، مادامی که شهروندان احساس نشاط کنند همواره در خدمت به شهر و افراد جامعه اهتمام بیشتری می‌ورزند (۱). نشاط اجتماعی، موتور محرکه توسعه پایدار است، چرا که از انحرافات اجتماعی می‌کاهد، امنیت اجتماعی را افزایش می‌دهد، همبستگی اجتماعی را زیاد می‌کند و بیگانگی با جامعه را کاهش می‌دهد (۲)، در حالی که فقدان آن افسردگی، بدبینی و ارزیابی منفی از رویدادها، بی‌علاقگی به اجتماع و کار، کم‌رنگ شدن وجدان کاری، ناهنجاری اجتماعی و رواج خشونت در روابط اجتماعی را به بار می‌آورد (۳).

نشاط اجتماعی در جامعه به صورت تک علتی نیست، بلکه ترکیبی است از عوامل و شرایط فردی، فرافردی و اجتماعی و در واقع نشانه‌ای است از نگرش‌های مثبت به جهان و محیطی که فرد را فرا گرفته و در آن زندگی می‌کند (۴، ۵). یکی از عواطف به وجود آورنده نشاط، احساس رضایتمندی از زندگی و فقدان عواطف منفی همچون افسردگی و لذت بردن از وقایع می‌باشد که از علل تاثیر گذار در برقراری اصل بهداشت روانی و خوشبختی است و بر فضای شناختی و رشد آن اثر می‌گذارد (۶). یافته‌های پژوهش شکوری و همکاران (۷) نشان داد که متغیرهای امید به آینده، مقبولیت اجتماعی، ارضای نیازهای عاطفی، پایبندی به معتقدات دینی و احساس امنیت اجتماعی رابطه مثبت و مستقیمی با نشاط اجتماعی دارند.

لزوم پرداختن به مقوله احساس نشاط و عوامل اجتماعی- فرهنگی ایجاد کننده آن از آنجا ناشی می‌شود که به نظر می‌رسد امروزه پیشرفت هر جامعه در گرو استفاده بهینه از نیروی انسانی آن جامعه است و یکی از مهم ترین اصول در حوزه مدیریت منابع

انسانی، توجه به مقوله نشاط انسانهاست. زیرا انسان با نشاط، انسانی کارا، مبتکر، مولد و سازنده است و همین اعمال مثبت به سلامت فیزیکی و روانی او کمک شایانی خواهد کرد. بر این اساس، در نظر گرفتن این مقوله در سیاست گذاری‌های فرهنگی مستلزم شناخت و بررسی دقیق و علمی آن پدیده است (۸).

در اواخر دهه هفتاد، با این ادعا که روان شناختی ترین پدیده‌ها نیز ممکن است تبیین‌های کاملاً جامعه شناختی بیابند (۹)، مسائلی مانند احساسات نیز به حوزه جامعه شناسی وارد شد. جامعه شناسی احساسات به این جمله گیرتر^۱ بسیار متعهد بود که «نه تنها عقاید، بلکه احساسات نیز مخلوقات فرهنگ هر جامعه هستند» (۱۰). در جامعه شناسی البته نه بر ابعاد فردی، بلکه بر ابعاد اجتماعی احساسات تاکید می‌شود. در اینجا مسائلی مانند تفسیر کنشگران از موقعیتشان در شکل دهی به احساسات (۱۱) و نقش هنجارهای فرهنگی در مدیریت احساسات (۱۲) توجه جامعه شناسان را به خود جلب می‌کند. برخی از اندیشمندان علوم اجتماعی نیز بررسی پدیده نشاط را در پرتو فرایند گسترده تر مدرنیسم مورد بررسی قرار داده‌اند. به اعتقاد آنان، پیشرفت‌های سریع فن آوری و اطلاع رسانی، علی‌رغم مزایای فراوان، خلأی را برای انسان معاصر به وجود آورده است. موج فزاینده افسردگی، پایین آمدن سن خودکشی، افزایش طلاق و بسیاری از مشکلات روانی - اجتماعی واقعیت‌های انکار ناپذیری هستند که نشان می‌دهند گویا شادی و نشاط از جوامع بشری رخت بر بسته است (۱۳).

یکی از متغیرهای مرتبط با نشاط اجتماعی، جنسیت است. جنسیت به تفاوت‌های روانشناختی، اجتماعی و فرهنگی بین زنان و مردان مربوط می‌شود که از ساختارهای اجتماعی و فرهنگی هر جامعه نشأت می‌گیرد. زنان در طول تاریخ به دلایل متعددی در موقعیت آسیب پذیر بیشتری نسبت به مردان قرار گرفته‌اند. از جمله این عوامل می‌توان به آسیب پذیری جنسیتی، قدرت فیزیکی کمتر زنان در مقایسه با مردان و همچنین محدودیت‌های اجتماعی که از

1. Geertz

سوی جامعه برای آنها تعیین می‌شود اشاره کرد (۱۴). در جوامعی که فشار بر روی زنان بیشتر باشد، آنها را به لحاظ جسمی و روحی آسیب پذیرتر می‌کند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که نابرابری‌های موجود بین زنان و مردان به ساختارهای اجتماعی و فرهنگی مربوط می‌شود. (۱۵). نتایج پژوهش اعظم آزاده (۱۶) نشان داد که موانع شادمانی به شیوه‌های گوناگون در زندگی اجتماعی زنان مداخله می‌کند و در نهایت نیز منجر به طردی خود خواسته و تحمیلی در زندگی آنها می‌شود. نتایج پژوهش وحید یگانه (۱۷) نیز نشان داد که فشارهای مالی و اجتماعی و تبعات روانی آن امکان هر گونه تغییر، خصوصا در وضعیت بهزیستی ذهنی و نشاط زنان را غیر ممکن و حذف ساخته است. مطالعات همچنین نشان داده اند که زنان متاهل با نشاط تر از زنان مجرد و بی همسر بر اثر فوت و طلاق هستند (۱۵).

بر حسب نتایج مطالعات پیشین، از میان عوامل اجتماعی، دو متغیر مقبولیت اجتماعی و احساس عدالت اجتماعی در مناطق روستایی و پنج مقوله رضایت از زندگی، کیفیت زندگی، اعتقادات دینی، احساس عدالت اجتماعی و پایگاه اجتماعی-اقتصادی در مناطق شهری، بیشترین سطح تغییرات نشاط اجتماعی زنان را تبیین نموده اند (۱۸). امنیت و احساس امنیت اجتماعی تیز از دیگر متغیرهای مرتبط با نشاط اجتماعی است. در این زمینه مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که احساس امنیت اجتماعی تاثیر مثبت و معناداری بر نشاط اجتماعی دارد (۱۹، ۲۰). به عقیده بسیاری از کارشناسان وجود امنیت در یک جامعه به همان اندازه مهم است که احساس امنیت در آن جامعه و چه بسا احساس امنیت در جامعه مهم تر از وجود امنیت است، چرا که واکنش‌های فرد در جامعه بستگی به میزان دریافت و ادراک او از امنیت دارد. بر این اساس، تا زمانی که زنان در دانشگاه، محیط کار، مکان‌های عمومی، خیابان‌ها و ... احساس آرامش نداشته باشند، مسلما احساس امنیت نیز نخواهند کرد (۲۱).

در اکثر تحقیقات صورت گرفته دهه‌های اخیر در جامعه علمی ایران، نشاط اجتماعی به عنوان یک متغیر وابسته در نظر گرفته شده

و عوامل موثر بر آن شامل ویژگی‌های روان شناختی (شخصیت، عزت نفس، برون گرایی، احساس محرومیت)، ویژگی‌های جمعیت شناختی (سن، جنس، تاهل، تحصیلات)، ویژگی‌های اقتصادی (شغل و رضایت شغلی، درآمد، مسکن)، ویژگی‌های فرهنگی (اوقات فراغت، مذهب، سرمایه فرهنگی)، ویژگی‌های اجتماعی (سرمایه اجتماعی، حمایت اجتماعی، انزوای اجتماعی) با رویکردهای کمی گرا مورد بررسی قرار گرفته است (۲۲). مرور پیشینه تحقیقاتی مرتبط نشان داد که مطالعات اندکی با رویکرد کیفی به بحث در خصوص موانع و محدودیت‌های نشاط اجتماعی زنان پرداخته اند. بنابراین انجام پژوهشی یا رویکردی کیفی با هدف شناسایی و مطالعه محدودیت‌ها و موانع شکل گیری احساس نشاط و شادمانی اجتماعی زنان جامعه ایران لازم است. بر این اساس، هدف پژوهش حاضر مطالعه کیفی موانع و محدودیت‌های نشاط اجتماعی زنان شهر کرمان بود.

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر یک تحقیق کیفی و در قالب پارادایم تفسیری^۱ است. داده‌های آن از طریق مصاحبه‌های متمرکز گروهی^۲ گردآوری شده اند. مشارک کنندگان در پژوهش حاضر با در نظر گرفتن معیارهای زن بودن، بالای ۲۰ سال بودن، شاغل بودن، ساکن شهر کرمان بودن و تمایل به مشارکت در پژوهش انتخاب شدند. انتخاب گروه‌های متمرکز به صورت هدفمند و ملاک پایان مصاحبه‌های متمرکز گروهی، رسیدن به اشباع اطلاعاتی بود. سه گروه متمرکز ۱۰-۱۲ نفره (در مجموع ۳۳ نفر) از زنان ۲۰ سال به بالای شاغل در شهر کرمان در تیرماه ۱۳۹۸ مورد مطالعه قرار گرفتند. هر جلسه مصاحبه متمرکز گروهی بین ۱ تا ۲ ساعت به طول انجامید. مشارکت کنندگان مطالعه حاضر در خصوص اینکه چه موانع و محدودیت‌هایی در محیط خانواده و روابط خانوادگی در زمینه نشاط اجتماعی دارید؟ در حوزه اجتماع و روابط اجتماعی با چه موانع و محدودیت‌هایی در زمینه نشاط اجتماعی روبرو هستید؟ در محیط کار در زمینه

1. Interpretivism
2. Focus group

(۲۴). برای این منظور درگیری پژوهشگر با موضوع پژوهش و داده‌ها و نیز مشاهده کدهای استخراج شده و متن مصاحبه‌ها توسط چند تن از مشارکت کنندگان تاییدی بر مقبولیت پژوهش بود. قابلیت اطمینان داده‌ها با نسخه نویسی در اسرع وقت، ثبت دقیق کلیه مراحل پژوهش و فراهم نمودن موقعیت مشابه برای مشارکت کنندگان توسط پژوهشگر مد نظر قرار گرفت. برای کسب اعتبار، داده‌های بدست آمده از مشارکت کنندگان به آنها باز گردانده شد و صحت یافته‌ها مورد بازبینی قرار گرفت. جهت تایید پذیری پژوهش نیز از روش بازبینی توسط همکاران و خود محقق استفاده شد.

نتایج

همانگونه در در بخش قبلی بیان شد، در این پژوهش مصاحبه متمرکز گروهی با ۳ گروه از زنان شاغل ۲۰ سال به بالای ساکن شهر کرمان انجام شد. گروه اول دوازده نفر، گروه دوم یازده نفر و گروه سوم ده نفر بودند. انتخاب این حجم از گروه و افراد با توجه به اشباع نظری در انجام مصاحبه‌های متمرکز گروهی صورت گرفت. در مجموع ۸ نفر در گروه سنی ۲۰-۳۰، ۱۰ نفر در گروه سنی ۳۰-۴۰ ساله، ۸ نفر در گروه سنی ۴۰-۵۰ و ۷ نفر در گروه سنی ۵۰ سال به بالا بودند. از لحاظ تحصیلات، ۸ نفر فوق لیسانس، ۱۸ نفر لیسانس و ۷ نفر فوق دیپلم بودند.

بر مبنای تحلیل مضمونی داده‌ها، دو مضمون اصلی استخراج شد که عبارت بودند از عوامل اجتماعی که خود مشتمل بر سه مضمون فرعی: خانواده (سخت گیری، محدودیت و تبعیض جنسیتی)، محیط کار (کنترل بیش از حد از سوی کارفرما و سیستم حاکم بر سازمانها، کنترل محسوس و نامحسوس، انگ اجتماعی، محدودیت پوشش و آرایش) و اجتماع (وجود باورها و اعتقادات خاص، محدودیت‌های مرتبط با جابجایی و تحرک، محدودیت انجام بعضی فعالیت‌ها برای زنان، نادیده گرفتن نقش مردان در ایجاد ناامنی در جامعه، عدم قدرت در بیان واکنش مناسب به محدودیت‌های اعمال شده) و عوامل فردی که مشتمل بر دو سه زیر مضمون بعد بیرونی (سبک زندگی) و بعد درونی (نگرش و بینش، فقدان عزت نفس)

نشاط اجتماعی چه موانع و محدودیت‌هایی دارید؟ و در نهایت آیا عوامل شخصی و فردی ای وجود دارند که مانعی بر سر راه نشاط اجتماعی شما باشند؟ به بحث و گفتگو پرداختند.

به مشارکت کنندگان توضیح داده شد که هر زمانی که مایل باشند می‌توانند جلسه مصاحبه را ترک نمایند. با کسب اجازه از مصاحبه شونده‌گان، کلیه مکالمات ضبط و در زمینه محرمانه ماندن اطلاعات به آنها اطمینان خاطر داده شد. پس از اتمام هر جلسه، مصاحبه در همان روز به صورت کلمه به کلمه پیاده سازی و تایپ شد. به منظور ایجاد حس کلی از مصاحبه و نیز غوطه وری پژوهشگر در داده‌ها، متن پیاده شده چندین بار مورد بازخوانی قرار گرفت. داده‌ها بر اساس منطق تحلیل مضمون و به شیوه ولکات^۱ (۲۳) تجزیه و تحلیل شدند. تحلیل مضمون یا تماتیک^۲ عبارت است از تحلیل مبتنی بر استقرای تحلیلی که در آن محقق از طریق طبقه بندی داده‌ها و الگویابی درون و برون داده‌ای به یک سنخ شناسی تحلیلی دست می‌یابد (۲۴) برای تحلیل داده‌ها در تحقیق حاضر، پنج گام طی شده است: گام اول آشنایی با داده هاست. در این مرحله مصاحبه‌ها به متن مکتوب تبدیل شده و چندین بار مورد مطالعه و بازخوانی قرار گرفته و همزمان یادداشت‌های اولیه در خصوص آنها تهیه شده است. در گام دوم، کدگذاری صورت گرفته و داده‌های مرتبط به هر کد در کل داده‌ها مشخص شدند. در گام سوم، با بازنگری کدها، برخی تغییر یافته و کدهای مرتبط به هم، به مقوله تبدیل شدند. در گام چهارم، مضامین اولیه مورد بازنگری قرار گرفته و هر کدام از آنها در ارتباط با قطعات کدگذاری شده و کلیت مجموعه داده‌ها کنترل شده و بر اساس آنها نقشه مضمونی تحلیل ایجاد گردید. در نهایت در گام پنجم، مضامین نام گذاری و تعریف شده و حمایت مضمونی از آنها صورت گرفته است، به این صورت که قطعاتی از متن‌های کدگذاری شده متناسب با هر مضمون و مقوله به عنوان شاهد مضامین ارائه شده است.

جهت اطمینان از صحت و پایایی داده‌های کیفی حاصل شده، از معیارهای مقبولیت، قابلیت اطمینان، قابلیت تایید استفاده گردید

1. Wolcott
2. Thematic Analysis

بود. با اقتباس از نقل قول‌های مصاحبه شونده‌گان، به توصیف این مضامین می‌پردازیم.

۱- عوامل اجتماعی

تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های متمرکز گروهی نشان داد که زنان توصیف این سه مضمون فرعی می‌پردازیم.

جدول ۱: مضامین مستخرج از داده‌ها

مضمون اصلی	مضمون فرعی	مفهوم
	خانواده	سخت‌گیری، محدودیت و تبعیض جنسیتی
	محیط کار	کنترل بیش از حد از سوی کارفرما و سیستم حاکم بر سازمانها، کنترل محسوس و نامحسوس، انگ اجتماعی، محدودیت پوشش و آرایش
عوامل اجتماعی		ترس از چشم زخم، چشم و هم‌چشمی، تجمل پرستی
		محدودیت در پیاده روی در فضای عمومی، تعرض و دست‌اندازی از سوی مردان
عرصه اجتماع		وجود باورها و اعتقادات خاص
		محدودیت‌های مرتبط با جایابی و تحرک
	عرصه اجتماع	دوچرخه سواری در فضای باز شهری، رانندگی
		آزادی بیش از حد مردان، زنان محکومان بی‌گناه
		نادیده گرفتن نقش مردان در ایجاد ناامنی و فساد در جامعه
عوامل فردی	بعد بیرونی	عدم قدرت در بیان واکنش مناسب به محدودیت‌های اعمال شده
	بعد درونی	سکوت به خاطر انگ نخوردن، محدودیت‌های فرهنگی، قانونی و عرفی
		سبک زندگی
		نگرش و بینش، اعتماد به نفس

۱-۱- محیط خانواده

مصاحبه شونده‌گان مطالعه حاضر بر این باور بودند که سخت‌گیری، محدودیت و تبعیض جنسیتی به خصوص محدودکردن دختران به بهانه‌های مختلف مانند آسیب پذیر بودن و عدم توانایی آنها در دفاع از خود و همچنین برابر دانستن دختران و پسران در تمامی زمینه‌ها از جمله در تربیت، آموزش و تحمیل فشار از سوی جامعه از عواملی هستند که نقش مهمی در کاهش نشاط زنان دارند (جدول شماره ۱). همانگونه که فرد پنجم از سومین مصاحبه متمرکز گروهی بیان داشته:

۲-۱- محیط کار

"اینکه یک دختر مجرد برای کار به یک شهر دیگر برود برای بسیاری از خانواده‌ها پسندیده نیست حتی اگر در یک اداره معتبر استخدام بشه. همچنین آزادی‌هایی که برای پسران در خانواده وجود دارد برای دختران وجود ندارد، به دختران از کودکی آموزش می‌دهند که شما لطیفید، حساسید، جامعه خراب است به همین علت اینجا نرو، با فلانی دوست نشو، اینگونه رفتار نکن و..... خوب با این وضعیت چیزی به نام نشاط می‌نمونه." و یا فرد ششم از مصاحبه متمرکز گروهی دوم بیان داشته که: "پسران شادتر از دختران هستند چون یک پسر میتواند خیلی راحت در محیط اجتماعی تردد کند، بدون اجازه از خانواده و هر ساعتی که خواست بیرون برود و هر ساعتی که خواست برگردد ولی دختران تحت کنترل هستند و باید با اجازه خانواده از منزل خارج شوند."

محیط کار دومین عرصه‌ای بود که تجزیه و تحلیل داده‌های مطالعه حاضر نشان داد که زنان آنرا به عنوان محیطی موثر بر کاهش نشاط اجتماعی قلمداد می‌کنند. زنان خود را در محیط کار بیشتر تحت کنترل و آسیب پذیر می‌دانستند. این آسیب عمدتاً در دو بعد مطرح شد. بعد اول، بعد اجتماعی است که در قالب انگ مطرح

باقی نمی‌مونه."

۳-۱- عرصه اجتماع

۳-۱-۱- وجود باورها و اعتقادات خاص

وجود باورها و اعتقادات خاص مانند ترس از چشم زخم یکی از موانع دستیابی به نشاط به ویژه در میان زنان مورد مطالعه بود (جدول شماره ۱). فرد سوم از مصاحبه متمرکز گروهی اول می‌گوید: "بسیاری از خانمها وقتی به هم می‌رسند به جای اینکه از شادی‌ها و موفقیت‌های خود با یکدیگر صحبت کنند به علت ترس از چشم خوردن شروع به صحبت کردن از غم‌ها و حوادث ناخوشایند زندگی خود میکنند و این موضوع به شکل یک رسم درآمده و بین خانمها بسیار دیده می‌شود."

یکی دیگر از رسوم نادرست، چشم و هم چشمی و تجمل پرستی است که بسیار رواج دارد و منجر به کاهش سطح نشاط می‌گردد (جدول شماره ۱). فرد پنجم از مصاحبه متمرکز گروهی سوم می‌گوید: "وقتی دوست من بخواهد به خانه‌ی من برای مهمانی بیاید، اولین چیزی که بهش فکر می‌کنم اینه که خونه ام خیلی خوب و شیک باشه، بهترین میوه و شیرینی را داشته باشم، در حقیقت بیشتر به این فکر می‌کنم که چه جوری جلوش کلاس بذارم، به نظر من این چشم و هم چشمی است که خود باعث کاهش ارتباطات می‌شود، خوب طبیعیه تو این وضعیت شادی و نشاط هم کمتر می‌شه"

۳-۱-۲- محدودیت‌های مرتبط با جابجایی و تحرک:

در عرصه اجتماع عوامل متعددی نشاط زنان را تحت تاثیر قرار می‌دهد به طور مثال آنها برای پیاده‌روی و ورزش در فضای باز به دلیل شرایط حاکم بر جامعه دچار محدودیت هستند (جدول شماره ۱). آنها ریشه این محدودیت را در ترکیب عوامل محیطی، فرهنگی و اجتماعی می‌دیدند. برای مثال آزارهایی که زنان در خیابان از سوی مردان می‌بینند نظیر متلک پرانی، تعرض و دست اندازی باعث می‌شود که رغبت زنان برای پیاده روی کم شود. اکثر زنان از برخورد نامناسب مردان در برخورد با زنان، شاکمی بودند و این نکته را ذکر کردند که تعرضات وارده بر آنها مانند شنیدن جملات رکیک و دست‌درازی مردان باعث محدودیت و تغییر

شد و بعد دوم سیستم حاکم بر سازمانها و کنترل‌های محسوس و یا نامحسوس بر روی افراد مورد مطالعه بود. پیامد انگ اجتماعی، آسیب‌های روحی و روانی و پیامد کنترل سازمانی نیز به شکل تهدید موقعیت شغلی مطرح شده است. زنان مورد مطالعه محدودیت موجود در محیط کاری را در سه بخش پوشش، آرایش و رفتار بیان کردند (جدول شماره ۱). از نگاه شرکت کنندگان، در انتخاب رنگ برای پوشش در محیط‌های کاری محدودیت وجود داشت و آنها بیشتر ناچار به استفاده از رنگ‌های تیره بودند. زنان در محیط کار آموخته بودند که باید عبوس و جدی باشند، فاصله را با همه همکاران به ویژه همکاران مرد بسیار حفظ کنند، در حالیکه این محدودیت‌ها را برای مردان نمی‌دیدند. دومین فرد از اولین مصاحبه متمرکز گروهی متمرکز بیان داشت که:

"اگر خانمی در محیط کار از رنگ‌های شاد استفاده کند بلافاصله از سوی حراست تذکر دریافت می‌کنه."

و فرد اول از مصاحبه متمرکز گروهی دوم بیان کرد:

"نظام حاکم بر ایران به گونه ای است که زن نمی‌تواند در محیط کار آرایش داشته باشد و باید حجاب وی کامل باشد در غیر این صورت توسط دیگر همکاران و به بهانه‌هایی مانند عدم صلاحیت، این خانم برای این شغل زیرآب زده می‌شود و از کار بی‌کار می‌شود."

این عبارت به شیوه مشابه در گفته‌های فرد سوم از مصاحبه متمرکز گروهی سوم نیز بیان شده است:

"اگر زنی در محیط کاری لباس رنگ روشن بپوشه و با همکار مرد سلام و احوالپرسی بکنه، بسیاری از همکاران پشت سر وی حرف می‌زنند و انگ می‌خورد. به مرور اینها باعث می‌شه افسرده و دپرس بشی و شادی و نشاط تو کمتر بشه."

فرد چهارم از مصاحبه متمرکز گروهی سوم می‌گوید:

"در محیط کار نمیتوانی اونجور که دوست داری رفتار کنی، اونجا برچسب‌ها و قضاوت‌ها برات مهمه، به هر بهانه ای سریعاً برایت پرونده تشکیل می‌دهند و تهدید می‌شوی و تمام اینها فشارهایی است که به یک زن وارد می‌شود و خوب دیگه چیزی به نام نشاط

رفتار و پوشش آنها می‌شود و فشار اینگونه موارد را بر خود بسیار بالا احساس می‌کردند. فرد سوم از مصاحبه متمرکز گروهی اول در این مورد می‌گوید:

"من به عنوان یک زن به علت نگاه‌ها، متلک‌ها و آزار و اذیت‌های مردان جرات پیاده روی در شهر را ندارم، خوب انتظار داری نشاط داشته باشم."

فرد پنجم از مصاحبه متمرکز گروهی دوم می‌گوید:

"در روزهای تعطیل که به بیرون از خوابگاه میرفتم، مرتبا ماشین‌های مدل بالا جلوی من را می‌گرفتند که بیا سوار شو یا شماره بده، همه اش دغدغه، همه اش استرس."

زنان مورد مطالعه همچنین از رانندگی در شهر به عنوان نمونه ای نام بردند که در آن بسیار مورد آزار و اذیت رانندگان مرد قرار می‌گیرند. مردان با بوق‌های ممتد و فحش و ناسزا و جملات رکیک و حتی تهدید در بسیاری موارد باعث اختلال در آرامش روان زنان می‌گردند. فرد سوم از مصاحبه متمرکز گروهی سوم می‌گوید:

"زمانی که یک زن در حال رانندگی است، اگر یک ماشین از پشت سر دائما چراغ بدهد یا بوق بزند باعث بروز استرس و اضطراب در زن می‌شود، که همین امر ممکن است منجر به بروز تصادف و عواقب بعدی برای زن بشود. همچنین زمانی که راننده ای بد رانندگی کند، در صورتیکه راننده زن باشد مردان این جرات را پیدا میکنند که به او توهین کنند و ناسزا بدهند ولی اگر راننده مرد باشد این جسارت را پیدا نمیکنند."

علاوه بر این در شهر کرمان و بسیاری از شهرهای دیگر ایران، به دلیل آفتاب شدید در طول روز، پیاده روی در شب‌ها متبوع تر می‌باشد اما به دلیل عدم امنیت کافی در شب، بخصوص تاریک بودن معابر و پارک‌ها، این امکان برای زنان فراهم نیست. فرد

دوم از مصاحبه متمرکز گروهی اول می‌گوید:

"روشنایی شهر یکی از عواملی است که روی نشاط افراد تاثیر می‌گذارد، اگر شهر تاریک باشد در آنصورت بزه اتفاق می‌افتد، انحرافات اجتماعی رخ می‌دهد به همین علت باید در سطح شهر نورپردازی صورت بگیرد."

۳-۳-۱- محدودیت انجام بعضی فعالیت‌ها برای زنان:

بعضی از فعالیت‌ها نظیر دوچرخه سواری، رانندگی با ماشین‌های سنگین و همچنین برخی مشاغل مانند راننده اتوبوس و تاکسی‌های خطی برای زنان بد شمرده می‌شود (جدول شماره ۱). فرد پنجم از مصاحبه متمرکز گروهی سوم می‌گوید:

"یک بار با اتوبوسی که راننده آن یک زن بود به سفر می‌رفتم، در تمام طول مسیر مردی که جلوی اتوبوس نشسته بود، زن راننده را با حرف‌های خود آزار میداد، یعنی در حقیقت اون مقبولیتی که یک زن برای برخی مشاغل باید داشته باشد، ندارد."

همچنین بسیاری از رفتارهایی را که مردان بدون هیچ محدودیت و انگیزه به راحتی انجام میدهند برای زنان منع شده است. فرد دوم از مصاحبه متمرکز گروهی اول در این باره می‌گوید:

"در جامعه‌ی مارتارهایی مانند خندیدن با صدای بلند برای زنان پسندیده نیست و زنی که بلند بخندد برجسب بی‌حیایی می‌خورد. فرد دوم از مصاحبه متمرکز گروهی دوم می‌گوید:

"اگر چند تا دختران جوان دور هم جمع بشن و بخوانند بازی‌هایی مانند منچ یا پاسور یا دبرنا بازی کنن، خانواده‌ها مرتب به آنها گوشزد می‌کنند که شما خرس گنده شده اید و این بچه بازی‌ها را نباید انجام دهید، همین کارها رو کرده اید که عروس نشده اید و...." فرد چهارم از مصاحبه متمرکز گروهی دوم می‌گوید:

"مردان می‌توانند به راحتی با دوستانشان وقت بگذرانند و به مهمانی بروند، حتی اگر در این بین مشروب یا هر ماده دیگری مصرف شود برای آنان هیچ مشکلی به وجود نمی‌آید و جامعه آنان را می‌پذیرد ولی برای دختران چنین آزادی‌هایی وجود ندارد. پسران میتوانند هر مدل لباس با هر رنگی بپوشند ولی دختران بیشتر باید رنگ‌های تیره استفاده کنند."

۳-۳-۲- نادیده گرفتن نقش مردان در ایجاد ناامنی و فساد در جامعه

بر خلاف زنان که بسیار تحت کنترل هستند مردان از آزادی بیش از حدی برخوردارند، به طوری که هیچ‌گاه پسری به دلیل ایجاد مزاحمت، متلک گفتن و چشم چرانی تنبیه و مورد بازخواست قرار نمی‌گیرند و همیشه و در همه حال زنان، محکومان بی‌گناهی هستند

از زندگی زنان و در نتیجه کاهش نشاط آنان موثر است. تبعیض جنسیتی به خصوص تجربه‌های تبعیض آمیز مربوط به طول زندگی، نقش مهمی در افسردگی، اضطراب و استرس زنان دارد.

فقدان امنیت و احساس امنیت از دیگر محدودیت‌ها و موانع نشاط اجتماعی زنان محسوب می‌شود. زنان شرکت کننده در این پژوهش از تعرضات خیابانی مردان نسبت به خود و عدم توانایی در دفاع از خود به عنوان یکی از موانع نشاط اجتماعی خود یاد می‌کردند. امروزه تعرض و مزاحمت جنسی بخشی از تجربه اجتماعی روزمره دختران و زنان را تشکیل می‌دهد. پدیده‌ای که آسایش و امنیت زنان را به مخاطره انداخته، حضور اجتماعی آنان را با مشکل مواجه ساخته و در نهایت موجبات کاهش نشاط اجتماعی آنها را فراهم ساخته است. یافته‌های پژوهش در این خصوص با نتایج تحقیق تلا^۱ (۲۹) که نشان داده بود بین زندگی فرد در مکانی که میزان تعرضات جنسی در آن بالاست و احساسات مثبت و منفی وی از جمله نشاط اجتماعی رابطه معناداری برقرار است، مطابقت دارد. این بدین معناست که افرادی که کمتر در معرض تعرضات قرار دارند، بیشتر احساسات مثبت و نشاط اجتماعی دارند و بالعکس. نتایج پژوهش سپهوند (۱۹) و رضادوست (۳۰) نیز نشان داد که احساس امنیت اجتماعی تاثیر مثبت و معناداری با نشاط اجتماعی دارد. اغلب مصاحبه شوندگان از محدودیت امکانات تفریح و ورزش برای زنان به عنوان محدودیت نشاط اجتماعی یاد کرده بودند. یافته‌های تحقیق در این خصوص با نتایج پژوهش کریمی (۳۱) همخوانی دارد. بر اساس یافته‌های او، تنوع کاربری، امنیت، سامان دهی و بهسازی، فضای مکث و مبلمان شهری از جمله عواملی بودند که با نشاط اجتماعی رابطه مثبت و معنادار داشتند. زنان همیشه برای حضور در فضاهای شهری محدودیتهایی داشته اند که این محدودیتهای ناشی از طراحی و برنامه ریزی فضاهای شهری و همچنین هنجارهای اجتماعی و فرهنگی است. در فضاهای شهری امروز، شرایط مناسب برای القای حس امنیت، تعلق مکان، آسایش روانی و در نتیجه برقراری تعاملات اجتماعی ایجاد نمی‌شود. زنان مشارکت در فعالیت‌هایی را که

احساس امنیت در آن نمی‌کنند را ترجیح نمی‌دهند. همچنین آنها برای اطمینان از امنیت شخصی، از حمل و نقل عمومی استفاده نکرده و یا از پیاده روی خودداری می‌کنند و در عوض استفاده از اتومبیل شخصی خود را ترجیح می‌دهند. آنها از رفتن سینما به تنهایی و یا از انجام دادن تمرینات ورزشی در فضای بیرونی مثل دویدن و پیاده روی اجتناب میکنند. به علت ترس از خشونت و تعرض، زنان کمتر تمایل دارند که بعد از تاریکی در شهر حضور یابند. به همین دلیل آنها در ساعات خاصی از روز، در مکانهای خاص و از حمل و نقل خاص استفاده میکنند. پیاده رویهای خلوت یا روشنایی اندک و پارکینگهای طبقاتی مشکلات خاصی را برای زنان در حرکت ایجاد میکنند. برای بسیاری از زنان، شهر مکانی نامیمون و بد شگون، سرشار از تهدیدات خشونت و یا ترس، به شدت مانع از تحرک زنان، به خصوص در شب میشود (۳۲). این عوامل از محدودیت‌های مهم نشاط اجتماعی زنان به شمار می‌رود. کیا (۵) و گنجی (۳۳) نیز در پژوهش خود نشان دادند که میزان رضایت از خدمات شهری با نشاط اجتماعی رابطه مثبت و معنادار دارد.

عوامل فردی نیز از جمله فاکتورهایی بود که از نظر مصاحبه شوندگان در دستیابی به نشاط موثر بود و با دو مضمون فرعی بعد بیرونی و درونی متمایز شدند. در بعد درونی عزت نفس به عنوان یکی از محدودیت‌های نشاط اجتماعی بیان شد. تحقیقات فراوانی در سراسر جهان انجام شده است که نشان می‌دهد، عزت نفس یک عامل حیاتی و همگانی می‌باشد که با سطح نشاط افراد رابطه مثبت و معناداری دارد. در این خصوص نتایج پژوهش حاضر با یافته‌های شریف زاده (۳۴) و نبوی (۳۵) مطابقت دارد. در پژوهش آنها نیز عزت نفس با نشاط اجتماعی رابطه مثبت و معنادار داشت. در بعد بیرونی نیز سبک زندگی از جمله محدودیت‌هایی بود که مشارکت کنندگان به آن اشاره داشتند. پژوهش حاضر صرفاً زنان شاغل ۲۰ سال به بالای شهر کرمان را مورد مطالعه قرار داده است، این موضوع می‌تواند از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر به شمار آید. لحاظ کردن زنان غیر شاغل می‌تواند درک بهتری از موانع و محدودیت‌های نشاط اجتماعی زنان شهر کرمان ارائه نماید.

تصمیم‌سازان و سیاستگذاران شهری و سلامت در خصوص رفع موانع و محدودیت‌های نشاط اجتماعی زنان مورد مطالعه کمک نماید. بر این اساس پیشنهاد می‌شود مسئولان و برنامه‌ریزان شهری در خصوص ایجاد امنیت در فضاهای باز شهری جهت تفریح و گذران فراغت زنان، زیرساخت‌های لازم را فراهم نمایند. آموزش‌های لازم به خانواده‌ها و همچنین سازمانها در خصوص تغییر نگاه جنسیتی می‌تواند تا حدودی در ایجاد فضای نشاط اجتماعی زنان تاثیرگذار باشد.

تضاد منافع: نویسندگان اظهار داشتند که تضاد منافی وجود ندارد

References

- 1- Rezadoost K, Fazeli A. A study of the feeling of security and social vitality among the citizens of Khuzestan province. Quarterly journal of disciplinary knowledge of Khuzestan. 2012; 2(2): 47-61.
- 2- Bashirnejad M. A society that is not cheerful has nothing. Social Communication Management: Analytical, Educational and Information. 2013; 34-35: 65-63.
- 3- Khoshfar Gh, Janalizadeh H, Akbarzadeh F, Dehghani H. The effect of social capital on youth happiness in Babolsar. Social Welfare Quarterly. 2013; 13(51): 314-253.
- 4- Mahdifar M, Tavakoly sany SB, Ghavami V, Vahedian-Shahroodi M. Health Literacy and Body Image Concern Among Healthcare Employees in Binaloud, Iran. Journal of Health Literacy. 2021;6(1):31-40.
- 5- Kia AA, Amiri R. A study of social vitality and related factors among citizens aged 15-64 in Ahvaz. Quarterly Journal of Welfare Planning and Social Development. 2013; 15: 177-138.
- 6- Diener E, Seligman ME. Very happy people. Psychological Science. 2002 13: 81-84. <https://doi.org/10.1111/1467-9280.00415> PMID:11894851
- 7- Shakoobi A, Ahmadi H, Esmailzadeh Kh. Study of social vitality and related factors among young people. Sociology of Youth. 2013; 2(3).
- 8- Rabbani R, Rabbani A, Abedi MR, Ganji M. Culture and happiness, a theoretical and experimental approach to the daily life of heads of households in Isfahan. Iranian Journal of Cultural Studies and Communication Quarterly. 2007; 8:78-41.
- 9- Moqaddas AA, Ghodrati Sh. (2011) A Critical Study of the Sociological Theories of Emotions by Jonathan Turner, Theodore Kemper and Edward Laver. Applied Sociology. 2011; 2:166-143.
- 10- Bakhshi N, Pashang S, Jafari N, Ghorban-Shiroudi S. Developing a model of psychological well-being in elderly based on life expectancy through mediation of death anxiety. Iranian Journal of Health Education and Health Promotion. 2020;8(3):283-93.. <https://doi.org/10.29252/ijhehp.8.3.283>
- 11- Nejatian M, Tehrani H, Momeniyan V, Jafari A. A modified version of the mental health literacy scale (MHLS) in Iranian people. BMC psychiatry. 2021;21(1):1-11. <https://doi.org/10.1186/s12888-021-03050-3> PMID:33485306 PMCid:PMC7824912
- 12- Hochschild AR. Emotion Work, Feeling Rules and Social Structure. American Journal of Sociology. 1979;85(3):551-575. <https://doi.org/10.1086/227049>
- 13- Lambert L, Passmore H-A, Joshanloo M. A positive psychology intervention program in a culturally-diverse university: Boosting happiness and reducing fear. Journal of Happiness Studies. 2019;20(4):1141-62. <https://doi.org/10.1007/s10902-018-9993-z>
- 14- Sadeghi S, Rajabi M. Sociological study of sexual harassment of women in the workplace. Women in Development and Politics. 2010; 8(3): 134-111.
- 15- Azamazadeh M. Awareness of Gender Inequality: A Model for Measuring Cognition of Gender Inequality. Women's Research. 2005;3(2):73-51.
- 16- Azamazadeh M, Tafteh M. The Story of Women Heads of Household from the Barriers to Happiness: A Case Study of Women Heads of Household in Tehran. Women and Family Studies. 2015;3(3):60-33.
- 17- Vahidiganeh F. A Survey of the Social Exclusion Status of Women Heads of Households: A Case Study of Women Heads of Households in the Waiting List of Tehran and Rey Welfare Organizations. Master Thesis, Faculty of Social Sciences: University of Tehran. 2013.
- 18- Anbari M, Somayeh H. Study of individual social factors affecting the social vitality of the studied women: Women in urban and rural areas of Delijan. Applied

- Sociology.2013;25(1):26-21.
- 19- Sepahvand R, Jafari S. The effect of feeling of social security on capital and social vitality. *Social Capital Management*.2016;3(4):541-521.
 - 20- Ghaffari Gh, Shirali E. The study and prevalence of social vitality among citizens and its relationship with the feeling of social security. "*Journal of Social Security Studies*.2016;45:57-33.
 - 21- Nowruz O, Chizari M. Investigating the effective cultural and social structures in the attitude of wheat farmers in Nahavand city regarding the development of sprinkler irrigation. *Iranian Journal of Agricultural Extension and Education Sciences*.2005;(2):71-59.
 - 22- Moradi S, Hezarjaribi J. The study of effective factors and strategies for improve happiness in Ilam. *Journal of Applied Sociology*. 2019;30(1):39-72.
 - 23- Wolcott, HF. *Writing Up Qualitative Research*, London: Sage Publication. 2008
 - 24- Peyman N, Ezzati Rastegar K, Tehrani H, Zarei F. Explanation of unwanted pregnancy from the perspective of family planning service providers: An exploratory study. *The Iranian Journal of Obstetrics, Gynecology and Infertility*. 2016;19(12):18-26.
 - 25- Sarukhani B, Yousri M. Reproduction of unequal sexuality in the family: A study of the adaptation of working and housewives in Ilam. *Social Research*. 2008; 1(1):61-47.
 - 26- Mushfeghi S, Mousavi SA. Investigating the consequences of gender discrimination in the workplace and how it affects employee life satisfaction. *International Conference on Humanities and Behavioral Studies*, Tehran. 2014.
 - 27- Khavari C, Sajjadi H, Habibpour K, Talebi M. The relationship between the dimensions of gender inequality and mental health. *Social Welfare Quarterly*. 2013;48:13-113.
 - 28- Yaghoubi SF, Elahi T. The effect of perceived gender discrimination on women's mental health. *Quarterly Journal of Women Socio-Psychological Studies*. 2014;11(3):26-7.
 - 29- Tella RD, Nopo H, MacCulloch R. *Happiness and Beliefs in Criminal Environments*, Washington, Inter-American Development Bank.2008. <https://doi.org/10.2139/ssrn.1821905>
 - 30- Rezaoust K, Fazeli A, Muqtadadi F. Study of social factors affecting the level of vitality in Khuzestan province. *Social Development Quarterly*.2014;8 (4):46-29.
 - 31- Karimi F, Abdullahi AA. Creating sidewalks to promote vitality and vitality in urban spaces, *Spatial Planning Quarterly*.2017;7(1):100-81.
 - 32- Hajiahmad A. Adaptation of urban spaces for women in daily life Study area: Golestan Punak neighborhood. Master Thesis, Islamic Azad University, Science and Research Branch. 2010.
 - 33- Ganji M. Analysis of Sociological Factors Affecting the Feeling of Happiness of Heads of Household in Isfahan, PhD Thesis in Sociology. University of Isfahan: Faculty of Literature and Humanities.2009.
 - 34- Sharifzadeh HS, Mir Mohammad Tibar SA, Adlipour S. Investigating the factors affecting social vitality in Iran, a meta-analysis of existing studies, *Cultural Strategy Quarterl*. 2017;40:180-159.
 - 35- Nabavi A, Rezaoust K, Salehi N. Investigating the effect of social and psychological factors affecting the feeling of vitality. *Journal of Applied Sociology*.2015; 26 (3):22.